



جلسه مشترک مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، دانشگاه لوند سوئد و انجمن علوم سیاسی ایران درباره « تحولات ژئوپلیتیک منطقه ای: نگاه ایرانی و اروپایی»

روز شنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۴، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه با همکاری انجمن علوم سیاسی ایران نشست مشترک را با مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند سوئد در خصوص "تحولات ژئوپلیتیک منطقه ای: نگاه ایرانی و اروپایی" برگزار کرد. در این نشست، برخی از اعضای مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند، پژوهشگران مقیم و مهمان پژوهشکده، اساتید دانشگاه و جمع کثیری از دانشجویان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد از دانشگاه های مختلف حضور داشتند. از سوی دانشگاه لوند، دکتر لیف استنبرگ، دکتر ویتوریا فلچی و دکتر دن - اریک اندرسون و از سوی پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیز دکتر کیهان برزگر، دکتر قدیر نصری و دکتر حمید احمدی به طرح دیدگاه های خود در ارتباط با موضوع نشست پرداختند. در پایان نیز سخنرانان به پرسش های حضار پاسخ دادند.

در آغاز، دکتر برزگر که ریاست نشست مزبور را برعهده داشت، به حضار خوشامد گفت. سپس، وی به اهمیت این نشست مشترک، در مورد شرایط کنونی منطقه خاورمیانه و همچنین فرصت پیش آمده برای شنیدن دیدگاه های اروپایی درخصوص مسائل منطقه اشاره کرد.

سپس، دکتر استنبرگ استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه لوند ضمن تشکر از طرف ایرانی جهت دعوت به حضور در پژوهشکده مطالعات خاورمیانه، به توضیحاتی درباره مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند پرداخت. در این ارتباط، وی اظهار کرد که دانشگاه لوند در جنوب سوئد واقع شده و در سال آینده این دانشگاه ۲۵۰ سالگی تاسیس خود را جشن خواهد گرفت. این دانشگاه که یکی از دانشگاه های تحقیقاتی برجسته در میان کشورهای اروپایی است، از رتبه جهانی ممتازی میان ۶۰ تا ۱۰۰ در میان دانشگاه های مستقل جهان برخوردار است و بخشی از محیط تحقیقاتی آن، مرکز مطالعات خاورمیانه می باشد. مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند که در سال ۲۰۰۷ تاسیس شد، به سرعت توسعه یافته است. گسترش این مرکز از طریق کمک های مالی حکومت سوئد به منظور مطالعه حوادث و اتفاقات معاصر پیش از بهار عربی بود. بنابراین، ایده گسترش مرکز مزبور پیش از بهار عربی بود و تصمیمی سیاسی نبود، بلکه این تصمیم برآمده از دغدغه های آکادمیک یا علمی آن زمان بود. همچنین، در سال ۲۰۰۹، برنامه کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه در مرکز مذکور راه اندازی شد. در پایان، استنبرگ، رییس مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند بیان کرد که سوئد

کشوری مهربان است و نسبت به ایران و ملت آن، نگاهی خصومت آمیز ندارد. همچنین، برنامه مرکز مطالعات خاورمیانه "فراملی" است؛ چرا که سوئد به دنبال برقراری و ایجاد روابط فراملی است که کشورهای مختلف خاورمیانه را نیز در برمی گیرد.

در ادامه، دکتر برزگر استاد دانشگاه در باره فعالیت های پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه توضیح دادند. در این ارتباط، وی عنوان کرد که در این پژوهشکده، علاوه بر حضور پژوهشگران مقیم، برنامه پژوهشگران مهمان نیز دایر می باشد. از جمله دلایل راه اندازی چنین برنامه ای این است که ایران جدیدی در منطقه در حال ظهور است که لازم است ما درک واقع بینانه تری از مسائل منطقه ای داشته باشیم. موضوعاتی مانند مساله هسته ای، بحران سوریه و بحران عراق که در ارتباط با قدرت های بزرگ است، مستلزم تعاملات بسیاری با جامعه بین المللی و نیز قدرت های بزرگ می باشد و در این رابطه، لازم است که متون، مقالات و کتاب های زیادی تولید شوند و به بررسی این روند جدید بپردازند. ایران در حال ظهور تمایل دارد تا بیشتر خود را بر اساس گرایش های مستقل بیان کند چرا که ماهیت ساختار قدرت در ایران بدین شیوه است.

سپس، رییس پژوهشکده بیان کرد که از دیدگاه وی، مفهوم "فراملی" - به معنای برقراری ارتباطات فراملی از جمله با کشورهای مختلف خاورمیانه و فهم سیاست های آنها می باشد که از سه لحاظ برای تطبیق دادن دیدگاه هایمان نسبت به مطالعات خاورمیانه مهم است. اولین موضوع، "ماهیت دولت" (state) است. در این باره، وی گفت که ماهیت دولت در منطقه خاورمیانه در حال تغییر است. بسیاری بیان می کنند که خاورمیانه در چارچوب مساله جهانی شدن، مرزهای سیاسی تصنعی و مداخله قدرت های بزرگ مشکلات بسیاری دارد؛ همه این مولفه ها متقاعد کننده هستند، اما محدودیت هایی نیز وجود دارد. در عین حال، باید صادقانه پذیرفته شود که ماهیت دولت در جهان عرب نیازمند تغییر است. این امر خود را در تحولات بهار عربی نشان داد. لازم است که ما درک جدیدی نسبت به دگرگونی دولت داشته باشیم و این دگرگونی دولت در عراق، سوریه، مصر و یمن دیده می شود. عربستان سعودی نیز به ناچار و با توجه به تحولات اخیر موضوع تغییر است، اما این کشور به دلیل دارا بودن پول و ثروت زیاد تلاش می کند تا روند تغییر را آهسته کند. فقط دولت های ایران و ترکیه در منطقه هستند که از نهادهای قدرتمندی برخوردار هستند که آنها را نسبت به وضعیت جدید کمتر آسیب پذیر می کند. این دو کشور قادر هستند مسائل امنیت ملی و منافع ژئوپلیتیک خود را به موضوعات سیاست خارجی خود متصل کنند. البته این مسئله در مورد ایران بهتر از ترکیه بوده است.

در ادامه، دکتر برزگر عنوان کرد که موضوع دوم مهم، "رقابت های ایدئولوژیک منطقه ای" است. مطالعات خاورمیانه را می توان به نظریه های روابط بین الملل از بسیاری از جهات مرتبط کرد. نظریه های رئالیستی جدید مانند نظریه های واقع گرایی تهاجمی و واقع گرایی تدافعی که به موضوع حفظ قدرت نسبی و امنیت نسبی می پردازند، در ایران بسیار محبوب هستند. همچنین، نظریه سازه انگاری که مساله ساختار و کارگزار را مطرح می کند، طرفداران زیادی را در ایران دارد. در اینجا ساختار مسائل مربوط به ژئوپلیتیک قدرت و نظام سیاسی-امنیتی منطقه است و دولت های خاورمیانه ای نیز کارگزار هستند. بر این مبنا، اینکه چگونه ساختار به رفتار دولت ها شکل می دهد، برای ما مهم است.

سپس، وی به عنوان موضوع سوم به مسئله امنیت دسته جمعی اشاره کرد. در این باره وی گفت که امنیت دسته جمعی بدین معنا است که به عنوان مثال، دولت‌ها در منطقه خلیج فارس شامل ایران و شش کشور دیگر این منطقه به سوی ایجاد "نظام امنیت دسته جمعی" (collective) حرکت کنند. اما این امر براحتی عملی نیست و بیشتر یک فکر قدیمی می باشد چرا که هر یک از آنها فهم خود را از روابط با قدرت‌های بزرگ و ماهیت سیاست داخلی و روابط منطقه ای دارند. آنها نمی توانند با یکدیگر همگرا شوند. به جای آن، ما شاهد شکل‌گیری مضمون جدیدی با عنوان نظام امنیتی - سیاسی "همکاری جویانه" (cooperative) هستیم؛ این طرح عملی تر است و تحقیقات زیادی در این باره وجود دارند. در عین حال، ما مساله ظرفیت همکاری منطقه ای/ فرامنطقه ای را داریم. به عنوان مثال، در مساله بحران سوریه، این ایده مطرح شده است که چگونه کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای می توانند با یکدیگر همکاری کنند. آشکار است که آمریکا در منطقه منافع دارد اما کاملاً هم واضح است که این کشور به تنهایی نمی تواند مسائل منطقه ای را حل و فصل کند. در واقع، جمع شدن همکاری منطقه ای و فرامنطقه ای با یکدیگر ضروری است؛ همان گونه که این مساله در کنفرانس وین درخصوص بحران سوریه مشاهده شد.

در پایان، دکتر برزگر بیان کرد که ایران مانند دیگر کشورهای جهان تلاش کرده است تا خود را به نوعی با شرایط جدید منطقه ای تطبیق دهد. توجه ایران به مساله تروریسم و مبارزه با آن تا حدی تلاش برای حمایت از "نظام دولت" است؛ چرا که نظام دولت - به عنوان مثال، نظام دولت در عراق، سوریه و در دیگر کشورها - به تقویت امنیت ملی ایران کمک خواهد کرد. در ارتباط با آمریکا، ایران تمایل ندارد که میان منطقه و غرب قرار گیرد و لذا سعی می کند که در مسائل مربوط به همکاری های منطقه ای با آمریکا محتاط باشد.

سپس، ویتوریا فلچی، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند به عنوان سخنران دوم به ارائه تصویری از دیدگاه اروپا نسبت به تحولات جاری در منطقه خاورمیانه و به ویژه در ارتباط با ظهور و گسترش داعش و پیامدهای آن برای اروپا پرداخت. در آغاز، وی گفت که حملات تروریستی پاریس مساله تهدید را برای اروپا برجسته و آشکار کرد و همچنین، جنگ علیه داعش را به عنوان اولویت نخست در دستور کار اروپا مطرح نمود. حتی در سطح اتحادیه اروپا، داعش هم اکنون به عنوان چالشی جدی عنوان شده است که می بایست هر چه زودتر بدان توجه شود. البته، این چالش به طرق مختلفی در نزد رهبران اروپایی درک می شود که این امر بستگی به چارچوب اجتماعی آنها دارد. اما در کل، مساله داعش به عنوان موضوعی دارای دو بعد تلقی می شود: که یک بعد آن داخلی و بعد دیگر آن سیاست خارجی است. در واقع، به نظر می رسد که بیشتر رهبران و تحلیلگران سیاسی در اروپا موافق هستند که این حملات نه تنها فقط یک مساله امنیت داخلی نیست، بلکه آن ارتباط تنگاتنگی با سیاست های خارجی اروپا دارد. پاسخ فوری از جانب فرانسه، روسیه و اخیراً از سوی آلمان و انگلستان، حملات هوایی به مناطقی که داعش در آنها مستقر است، از همین امر ناشی می شود. این حملات ممکن است آسیب جدی به داعش وارد نکرده باشد اما در عمل، آنها بسیار نمادین بودند؛ به ویژه لازم بود که فرانسه

خود را مصمم در حمله کردن به آنها نشان می داد تا مرتکبان چنین اقداماتی - داعش - در مناطق خود احساس امنیت نداشته باشند. البته، فقط حملات هوایی کافی نیست؛ چرا که نمی تواند منجر به نتیجه ای متفاوت و تاثیرگذار شود و نیز جای پای را که داعش در سرزمین های سوریه و عراق برای خود ایجاد کرده است، از بین ببرد. از میان بردن آنها فقط از طریق مداخله نظامی گسترده - از جمله با استفاده از تعداد قابل توجهی از سربازان زمینی - امکانپذیر است.

فلچی در ارتباط با اقدام نظامی گسترده به منظور از میان بردن داعش بیان کرد که در حال حاضر، هیچ کس در اروپا این مساله را خواستار نیست و حتی اگر اروپایی ها خواستار آن بودند، امکان بسیار کمی وجود داشت که بتوانند چنین اقدامی را انجام دهند؛ چرا که یک اقدام نظامی جدی فقط از طریق ائتلاف با ایالات متحده می تواند صورت گیرد؛ کشوری که این روزها با هر گونه مداخله نظامی در منطقه مخالفت می کند. همچنین، باید توجه داشت که یک نیروی نظامی اروپایی وجود ندارد، بلکه ناتو وجود دارد که آن نیز در پیوند و همبستگی با ایالات متحده است. بنابراین، چنانچه آمریکا خود تمایلی به اقدام کردن نداشته باشد، در عمل، نیروی نظامی اروپا نمی تواند اقداماتی را انجام دهد. البته، غیرممکن بودن مداخله نظامی در این منطقه، مساله بدی نیست؛ نه تنها فقط بدین دلیل که مداخله اروپا و آمریکا طی چند سال اخیر در افغانستان، عراق، سوریه و لیبی موفقیت آمیز نبوده است، بلکه بدین دلیل که به نظر نمی رسد که هیچ کس در اروپا بتواند هدف سیاسی را به گونه ای تعریف کند که آن را به جنگ متصل کند.

همچنین، ویتوریا فلچی به ذکر این نکته پرداخت که بدون یک هدف سیاسی منسجم و همبسته، اقدامات نظامی بی نتیجه و برای مردم منطقه ویرانگر خواهند بود و در واقع، نتایج معکوسی را به همراه خواهد داشت؛ همان گونه که در حال حاضر، چنین اتفاقی در حال رخ دادن است. نتیجه آن در سیاست خارجی این است که اروپا منتظر ایالات متحده و دنباله رو آمریکا است؛ چرا که اروپایی ها در سالهای اخیر در منطقه خاورمیانه هستند، اما آمریکایی ها اساساً چندین دهه است که در این منطقه حضور دارند. اگر آمریکا تصمیم به استفاده از قدرت نظامی بگیرد، اروپا نیز از این اقدام دنباله روی خواهد کرد. اما در حال حاضر، چنین احتمالی مشاهده نمی شود. بنابراین، ما هم اکنون در وضعیت خطرناکی هستیم. بدین دلیل که نخست، همواره وابستگی به دیگری ناراحت کننده است و دوم آنکه، این مساله برای اروپایی ها گزینه دیگری جز دنباله روی از رهبری آمریکا را باقی نمی گذارد؛ حتی هنگامی که رهبری آمریکا، فاجعه آمیز باشد؛ همان گونه که این امر در عراق اتفاق افتاد. بنابراین، نتیجه این ناتوانی این است که سیاستمدارانی که نمی توانند سیاست خارجی [مستقل و خوبی] را ارائه دهند، اشتیاق زیادی را در نشان دادن سیاست های سخت گیرانه و محکم در داخل کشورهای خود دارند. بر این اساس، "امنیت داخلی،" به عنوان اولویت نخست اروپا در ماه ها و احتمالاً در سال های آینده مطرح خواهد بود.

در ادامه، قدیر نصری، استاد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی به طرح نکات خود در ارتباط با موضوع این نشست پرداخت. موضوع سخنرانی وی "شش نکته درباره بحران ها در خاورمیانه در دیدگاه ایرانی" بود. در آغاز، وی بیان کرد که معمولاً منطقه خاورمیانه به منطقه کشمکش ها، منطقه دارای نفت

و گاز غنی و نیز منطقه مملو از جنگ ها ترجمه می شود. سپس، وی به طرح این سوالات پرداخت که چرا جنگ و کشمکش در منطقه خاورمیانه وجود دارد؟ در سوریه، یمن، عراق و لبنان. چرا بحران و تروریسم در این کشورها وجود دارد؟ به نظر وی، این تحولات از بخش - مولفه های - روشنفکری و نه سیاسی نشات می گیرد. عامل سیاسی، بخش دوم تحلیل مسائل خاورمیانه است. از دیدگاه وی، باید به دو مجموعه از عناصر در تحلیل بحران های خاورمیانه توجه کرد. نخست آنکه، باید دید که چگونه رهبران سیاسی خاورمیانه درباره انسان و امنیت فکر می کنند؛ رهبران سیاسی همچون بشار اسد. تفکر آنها در روندها و گرایشات جامعه بسیار مهم است. جامعه در خاورمیانه وابسته به رهبران است. طرز تفکر رهبران درباره امنیت و بحران عامل بسیار مهمی است.

سپس، نصری اظهار کرد که مجموعه دوم مولفه ها، مساله ژئوپلیتیک است. ما مجبور به توجه به وضعیت ژئوپلیتیک کشورها هستیم چرا که خاورمیانه، منطقه بسیار مهمی است. به عنوان مثال، می توان به تنگه هرمز، کرکوک و باب المندب اشاره کرد. این نقاط در تحلیل امنیت منطقه بسیار حیاتی هستند و در صورت عدم توجه به این مناطق، نمی توان تهدیدات و آینده امنیت خاورمیانه را تحلیل کرد. در این راستا، به پنج عامل مهم از مجموعه ژئوپلیتیکی می توان اشاره کرد. قدرتمندترین عامل در این منطقه "امنیت" است؛ دولت در خاورمیانه بسیار مهم است و جامعه ضعیف می باشد. دومین عامل، "قدرت سخت" و اهمیت آن در تحلیل امنیت است. عامل سوم، "تداوم جنگ سرد" در منطقه خاورمیانه است. در واقع، در این منطقه، جنگ سرد میان ایران و ترکیه، ایران و عربستان سعودی و ایران و اسرائیل وجود دارد که این جنگ سرد در منطقه به پایان نخواهد رسید. عامل چهارم، "قدرت هویت یا ایدئولوژی هویت" است. هویت قومی یا هویت ملی و به ویژه هویت مذهبی برخلاف کشورهای غربی بسیار مهم است. هویتی قومی در سوریه، لبنان، ایران و عراق وجود دارد. عامل دیگر، اهمیت "تهدیدات" است. اساسا تهدیدات، تهدیدات خارجی هستند که مهم تر از تهدیدات داخلی هستند.

به عنوان نتیجه گیری، قدیر نصری اشاره کرد که در سال ۲۰۲۰، کشورهای بسیار کوچک یا فروکشورها در منطقه خاورمیانه وجود خواهند داشت. همچنین، در سال ۲۰۲۵، ما شاهد فروپاشی نظام سایکس - پیکو، فروپاشی دولت - ملت در عراق و وجود کشورهای بسیار بزرگ و کشورهای بسیار کوچک در منطقه خاورمیانه خواهیم بود. به نظر وی، این نکته بسیار مهم است که نقش قدرت های باسابقه و کهنی مانند ایران بسیار با اهمیت است و نیز با اهمیت خواهد بود؛ ایران قدرت اصلی در منطقه است. آن نقش موازنه کننده را در ترتیبات امنیتی آینده در منطقه خاورمیانه ایفاء خواهد کرد.

دن - اریک اندرسون، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لوند به عنوان سخنران بعدی، ضمن تاکید بر مبادلات علمی میان مراکز تحقیقاتی و دانشگاه های دو کشور اظهار کرد که ما اغلب فراموش می کنیم که فقط ۷۰ سال پیش بود که با وقوع جنگ جهانی دوم، قاره اروپا کاملا ویران شد و پس از آن، اروپا سعی کرد تا زخم های خود را التیام بخشد و متحد شود و امروزه، اتحادیه اروپا موفق است. منازعات و تنش های بسیاری در قاره اروپا وجود داشت، اما اتحادیه اروپا موفق عمل کرد.

ولی باید توجه کرد که این امر می تواند به یک ساده لوحی و تصورات باطل شکل دهد که بر اساس آن اتحادیه اروپا می تواند در هر موضوعی موفق شود.

در ادامه، اندرسون گفت که یک معضل اروپایی وجود دارد؛ بدین معنا که اروپا یکی از موضوعات حقوق بشر، ارزش های خوب و دموکراسی است. اما در عین حال، قاره اروپا برای ما استعمار، امپریالیسم، نازیسم، کمونیسم و ... را نیز موجب شده است. بنابراین، قاره اروپا هنوز بسیار پیچیده است و می بایست به مشکلات و معضلات زیادی بپردازد. بخشی از طرح ها و اهداف اتحادیه اروپا مانند پول مشترک (یورو) که ده سال گذشته، بسیار خوب به نظر می رسید، هم اکنون فقط به بار سنگینی برای ما به ویژه، برای برخی از کشورهای منطقه مدیترانه تبدیل شده است و ورای این وضعیت پیچیده ای که ما مجبور هستیم به آن بپردازیم، مساله بحران پناهندگان را نیز خواهیم داشت. البته، این یک بحران برای اروپا و سوئد نیست؛ بلکه بحرانی است برای مردمانی که تقاضای پناهندگی دارند. مشکلی نیست اگر اروپا مسئولیت اعطای پناهندگی را بپذیرد؛ چرا که اروپا به اندازه کافی ثروتمند است، اما ما چنین اقدامی را انجام نمی دهیم. بنابراین، هم اکنون، در این ارتباط تنش های زیادی وجود دارد.

سپس، اندرسون به این نکته اشاره کرد که پیش از به وجود آمدن بحران پناهندگان، اروپایی ها عادت به سفر کردن در سراسر اروپا را بدون گذرنامه داشتند. اما در حال حاضر، اروپایی ها مجبور به همراه داشتن گذرنامه های خود هستند و می بایست خود را با نظام کنترل های دائمی بر هویت افراد تطبیق دهند. در ارتباط با مساله پناهندگان، وی عنوان کرد که فرانسه، آلمان و به ویژه، سوئد بار سنگینی را در ارتباط با اعطای پناهندگی به افراد متقبل شده اند. طی سه ماه گذشته، ده هزار نفر در هر هفته به سوئد آمده اند. بنابراین، تنها مساله ای که مردم سوئد هم اکنون درباره آن صحبت می کنند، منازعات خاورمیانه است و اینکه چگونه این کشمکش های خاورمیانه در حال تاثیرگذاری بر ما نه تنها از طریق اخبار، بلکه به طور واقعی و عینی است؛ چرا که ما مجبور به مراقبت از پناهندگان و پیدا کردن جایی برای آنها هستیم.

در پایان، دن - اریک اندرسون به دو سناریوی مطرح در سوئد در ارتباط با مساله پناهندگان اشاره کرد. نخست، سناریوی مثبت است که البته، خیلی محتمل نمی باشد. این سناریو بر پایه این ایده است که دولت های اروپایی به طور مشترک این مسئولیت را بپذیرند و سعی کنند که از پناهندگان نگهداری کنند تا آنها دوباره بتوانند به عرصه کار کردن بازگردند. دوم، سناریوی منفی است که در حال حاضر، بسیار محتمل به نظر می رسد؛ بدین معنا که اروپا مرزهای خود را ببندد و در بهترین حالت، به حملات هوایی علیه داعش در خاورمیانه ادامه دهد و در بدترین حالت، درگیری و مشارکت مطلوب و مساعدی علیه داعش نداشته باشد. بنابراین، هم اکنون خاورمیانه از لحاظ جنبه های گوناگون، تنها مساله مورد نگرانی ما است.

در ادامه، کیهان برزگر در ارتباط با مساله داعش بیان کرد که از دیدگاه ایران، داعش برای طولانی مدت باقی نخواهد ماند. از دیدگاه ایران، ریشه های داعش ناشی از بحران سیاسی می باشد که در منطقه اتفاق افتاده است و در واقع، پدیده داعش نتیجه تضعیف نظام دولت ها است؛ بدین دلیل است که

ایران هنوز استدلال می کند و از ابتدا نیز ایران استدلال کرده است که حفظ دولت به طور دست نخورده در مبارزه علیه داعش بسیار کلیدی است. همچنین، مبارزه علیه داعش تا حدی مستلزم شکل گیری یک نوع ائتلاف بین المللی یا منطقه ای است؛ ائتلافی که نخست، بحران سیاسی موجود در منطقه را حل کند و سپس، ریشه های این منازعه از میان خواهد رفت. سپس، وی به این نکته اشاره کرد که با وجود همه چالش هایی که مساله داعش به همراه داشته، فرصتی مهم ایجاد شده است؛ به نحوی که ما شاهد شکل گیری نوعی جدید از ائتلاف منطقه ای و بین المللی و همکاری میان دولت ها به منظور مبارزه با این پدیده جدید هستیم. روسیه در سوریه وارد شد. فرانسه نیز پس از حملات تروریستی پاریس علاقمند به ملحق شدن به روسیه است و پارلمان انگلستان نیز برای حمایت از فرانسه رأی داد. با توجه به حملات تروریستی در سان برناردینو در کالیفرنیا، من حدس می زنم که آمریکا نیز تا حدی به ائتلاف بین المللی ملحق خواهد شد. بنابراین، ما شاهد شکل گیری همکاری میان دولت ها خواهیم بود.

به عنوان سخنران نهایی، حمید احمدی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران درباره چرایی ظهور داعش و القاعده در منطقه خاورمیانه توضیح داد. در این رابطه، وی بیان کرد که یکی از دلایل مهمی که موجب ظهور این پدیده مافوق ملی در خاورمیانه شده، این است که دولتها به دلیل کشمکش های مستمر پس از پایان جنگ جهانی اول یا در واقع، پس از موافقت نامه سایکس - پیکو و ظهور دولت های عربی در منطقه خاورمیانه تضعیف شده اند. در واقع، این دولت ها به دلیل کشمکش های مستمر میان آنها و گروه های فروملی مانند گروه های قومی و اقلیتی تضعیف شده اند. در واقع، این گفتمان توسط گروه های اقلیتی یا فروملی مانند گروه های قومیتی، نژادی و فرهنگی مطرح شده است که خواهان حق خودمختاری و تعیین سرنوشت خود هستند. این خواست ها برآمده از گفتمان استالینی در مورد حق تعیین سرنوشت خود و یا طبق مفاهیم لیبرالی است که توسط ویلسون مطرح شد و جوامع غربی نیز از آن حمایت می کنند. بنابراین، از آغاز، دولت های منطقه درگیر مشکلات بسیار دشواری بودند و در واقع، آنها فضای لازم برای ارتقاء و تقویت خود را به اندازه کافی نداشتند و به دلیل این جنگ مستمر میان بازیگران دولتی و بازیگران فروملی یک شکاف سرزمینی ایجاد شده است.

در پایان، حمید احمدی عنوان کرد که هنگامی که دولت تضعیف می شود، دولت ناکام یا دولت شکننده نامیده می شود و دولت شکننده قادر نیست که بر همه سرزمین خود کنترل داشته باشد. بنابراین، در اینجا، به نوعی یک شکاف سرزمینی وجود دارد؛ چرا که در این شرایط، مناطقی وجود دارند که تحت کنترل دولت نیستند. در چنین وضعیتی، بازیگران مافوق ملی مانند گروه های بنیادگرای اسلامی وارد می شوند و به دلیل آنکه اکثر مردم تا حدی نومید هستند و نیز به دلیل کشمکش ها و منازعات مستمر، ناکامی دولت، معضل امنیت و ... آنها به گفتمان فوق ملی ایجاد خلافت جذب می شوند. یک راه حل جهت کنار گذاشتن این گفتمان با سابقه مبنی بر تقویت بازیگران فروملی، حمایت از یک دولت دموکراتیک و تشویق دولت ها به دموکراتیک شدن است؛ نه آنکه بر تمرکززدایی دولت ها تاکید شود و به گروه های مختلف فروملی که خودشان به اندازه کافی ضعیف هستند، فرصت داده شود. بنابراین،

هنگامی که دولت‌ها و گروه‌های فروملی تضعیف شوند، چنین پدیده فوق‌ملی ظهور می‌یابد و این مساله، یکی از مولفه‌هایی است که در ارتباط با چگونگی شکل‌گیری داعش به آن توجه نشده است.

نویسنده: فهیمه قربانی، پژوهشگر مقیم پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه